



محمد جواد تندگویان چگونه وزیر نفت شد؟



● آقای رجایی، من (اصغر ابراهیمی اصل) را مأمور کرد که فرد مناسبی را برای وزارت نفت پیشنهاد کنم. پس از چهار روز بررسی و تحقیق، مهندس تندگویان را به ایشان معرفی کردم

کتاب

از شماره امروز، به بررسی و انتشار جلد نخست کتاب سال های بی حصار، از مجموعه خاطرات اصغر ابراهیمی اصل، نوشته حسین کاشی خواهیم پرداخت. در این کتاب، جزئیات مهمی از دوران تحصیل و مسئولیت های وی در وزارتخانه ها و بخش های مختلف، بیان شده است. همچنین اشاراتی وی در وزارتخانه ها و بخش های مختلف، بیان شده است. همچنین اشاراتی وی در وزارتخانه ها و بخش های مختلف، بیان شده است. همچنین اشاراتی وی در وزارتخانه ها و بخش های مختلف، بیان شده است.

حسین کاشی در جلد اول کتاب سال های بی حصار، عنوان کرد: اصغر ابراهیمی اصل هفتم اردیبهشت ۱۳۳۲ در خمینی شهر و در خانواده ای مذهبی متولد شد. پدرش علی ابراهیمی اصل، افسر ارتش و مادرش صدیقه جعفری خانه دار بود. پدرش با وجود اشتغال در ارتش، تحصیلات حوزوی را در حوزه قم و اصفهان دنبال کرده بود. به دلیل شغل پدر و جابه جایی مداوم او، اصغر ابراهیمی اصل دوران تحصیل را در شهرهای تبریز، آذرشهر، سنندج، کرمانشاه، خوی و همدان گذراند و به اتمام رساند.

آزادی از زندان و برگشتن به دانشکده، داماد آقای سیدمحمد گیوش شد و پس از فارغ التحصیلی از دانشکده نفت، با همسرش به آمریکا رفت و فوق لیسانس مهندسی نفت را در عرض یک سال در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی تمام کرد و دکترای خود را در همین رشته تا مرحله نوشتن رساله به سرانجام رساند.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به درخواست آقای هاشمی رفسنجانی و آقای گیوش، بدون دفاع از تز دکترای به ایران برگشت و در زمان مبارزات علیه رژیم پهلوی فعال بود. او از همان روزهای ابتدای پیروزی انقلاب فرماندار اهواز شد. در این هنگام، به علت نبودن استاندار در خوزستان، عملاً کارهای استانداری خوزستان را نیز برعهده گرفته بود.

پس از آنکه دریا دار دکتر سیداحمد مدنی به عنوان استاندار خوزستان معرفی شد، او علاوه بر فرمانداری اهواز، مدتی با سمت مشاور و استاندار و فرماندار دشت آزادگان و خرمشهر مشغول به کار شد. آقای ابراهیمی اصل پس از مدتی همکاری با آقای مدنی، علیه وی اعلام جرم کرد که به برکناری و فرار مدنی از ایران منجر شد. پس از آن، از طرف حضرت امام مأمور شد آل شبیر خاقانی را که رئیس شیعیان اخباری در خرمشهر بود و حامیان و مدعیان خلق عرب و تجزیه طلبان خوزستان قصد بهره برداری از ایشان را داشتند،

و مدیرعامل سازمان آب منطقه ای تهران مشغول به کار شد. از اقدامات مهم وی در تصدیگری این مسئولیت، بازپس گیری پول ایران از شرکت ایتالیایی امپرجیلو برای ساخت ناتمام و ناقص سد لار، شروع احداث سد ۱۵ خرداد، شروع سد ساوه، انجام مطالعات برای احداث سد طالقان، تعمیرات اساسی لوله های آب جنوب تهران و ایجاد تصفیه خانه های جدید بود. در سال ۱۳۶۵ رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) شد که یکی از خدمات مهم ایشان در این دوره است.

خاطرات اصغر ابراهیمی اصل در هشت فصل تنظیم شده است. فصل اول از تولد تا ورود ایشان به دانشکده را در برمی گیرد. فصل دوم به دوران دانشجویی وی در دانشکده نفت آبادان اختصاص دارد. فصل سوم در خصوص بازگشت ایشان از آمریکا در روزهای نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان حضورش به عنوان

فرماندار اهواز در خوزستان است. در فصل چهارم به دوران استانداری ایلام و در فصل پنجم به دوران استانداری آذربایجان غربی پرداخته شده است. فصل ششم به جدا شدن او از وزارت کشور و خدمت در وزارت نفت اختصاص دارد. در فصل هفتم تهران و حومه (مترو) و احداث منطقه ای تهران و صنایع دفاع روایت می شود و فصل هشتم نیز به دوران مهم حضور ایشان در مترو و احداث این پروژه ملی اختصاص دارد. در شروع فصل نخست کتاب با عنوان اقامتی کوتاه در زادگاه، آمده است: صدای چکمه کودتاگران هنوز توی خیابان های تهران نیچیچیده بود، ولی رقابت ها و درگیری های هواداران مصدق با طرفداران شاه خیر از اتفاقاتی قریب الوقوع می داد.

طی چند روز همه چیز، همان طور که برنامه ریزی شده بود، دگرگون شد در حالی که راه های بسیاری از آن سال های سرنوشت ساز، هنوز سر به مهر باقی مانده

است. حوالی همین روزهای پربهاو، زندگی آرام و عادی مردم در شهرهای مختلف ادامه داشت. شهرهایی که کیلومترها از کانون حوادث ملی شدن نفت فاصله داشتند و بی خبر از برنامه هایی که قرار بود در آینده ای نزدیک به زندگی شان رسوخ کند، سرگرم زندگی به سبک پیشینیان خود بودند. در یکی از روزهای بهاری سال ۱۳۳۲، در ایامی که هنوز سایه کودتا روی تاریخ کشور نیفتاده بود، در شهر سده اصفهان، خانواده ما صاحب فرزند شد. آن طور که احوالم را ثبت کرده اند، هفتم اردیبهشت آن سال چشم به جهان گشودم. قبل از آنکه من به جمع خانواده اضافه شوم، خانواده ما صاحب یک فرزند پسر به نام اکبر شده بود.

من دومین فرزند خانواده بودم و اسمم را اصغر گذاشتند.

فامیلی ما ابتدا ابراهیمی خوزانی بود، اما خیلی وقت ها فقط پسوند آن، یعنی خوزانی را



بازپس گیری پول ایران از شرکت ایتالیایی

پس از آن، با نظر آقای هاشمی رفسنجانی از وزارت کشور جدا شد و به وزارت نفت رفت و مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره ایران شد. بعد از برکناری آقای غرضی از وزارت نفت، آقای ابراهیمی به وزارت نیرو مأمور شد و به عنوان رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمان آب منطقه ای تهران مشغول به کار شد. از اقدامات مهم وی در تصدیگری این مسئولیت، بازپس گیری پول ایران از شرکت ایتالیایی امپرجیلو برای ساخت ناتمام و ناقص سد لار، شروع احداث سد ۱۵ خرداد، شروع سد ساوه، انجام مطالعات برای احداث سد طالقان، تعمیرات اساسی لوله های آب جنوب تهران و ایجاد تصفیه خانه های جدید بود. در سال ۱۳۶۵ رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) شد که یکی از خدمات مهم ایشان در این دوره است.



ابراهیمی اصل از سال ۱۳۵۸ استاندار ایلام

شد و به مدت دو سال تا سال ۱۳۶۰ در این سمت مشغول خدمت بود.

در این مدت علاوه بر تصدی استانداری ایلام، مسئولیت نمایندگی شورای عالی دفاع در استان ایلام، نمایندگی دادستانی انقلاب ارتش و مدتی هم سرپرستی و مشاور تپ ۸۴ خرم آباد را برعهده داشت